

دکتر هرانند - قوکاسیان

## ارامنه در ایران

مقدمه مترجم . دکتر کارابط پاشایان نویسنده این مقاله یکی از متفکرین و دانشمندان ارمنی است که در ترکیه بدنیا آمده و دانشکده پزشکی استانبول را بپایان رسانده است.

وی سالیان دراز در «دیوریک» . «مالاتیا» . شاپین - کاراهیسار» و با کارین» بشغل طبابت اشتغال داشته است.

دکتر پاشایان بعنوان عضو انقلابی دستگیر و زندانی شد و سپس از زندانی بزدان دیگر افتاد تا سرانجام او را «بسبستیا» اعزام داشتند .

وی مدت هفت سال در ایران بسر برده و در شهرهای تبریز . تهران و بندرگز بحرفه پزشکی مشغول بوده است و بعلت صداقت و کاردانی مدتی پزشک دربار سلطنتی ایران نیز بوده و از طرف شاه وقت بدریافت نشان افتخار نائل شده است.

دکتر پاشایان در سال ۱۹۰۳ عازم اسکندریه شد و مدت سه سال در آن سامان بسر برد و در همین اوقات روزنامه ای بنام «افق» بر بان ارمنی انتشار داد و در سال ۱۹۰۸ پس از استقرار سیاسی دولت عثمانی در قسطنطنیه مستقر شد.

وی دهها جلد کتاب طبی و بهداشتی تالیف کرده و با مجلات علمی فرانسه همکاری نزدیک داشته است .

دریست و چهارم آوریل سال ۱۹۱۵ از طرف پلیس عثمانی دستگیر و به «آباش» در حوالی «آنکارا» تبعید گردیده است.

در ماه مه همان سال از تبعید گاه مزبور تلگراف اعتراض آمیزی در خصوص

دستگیری خود و سایر هم میهنانش به طلعت پاشا وزیر کشور دولت عثمانی مغایره کرده که آن تلگراف را دو تن از اندیشمندان معروف ارمنی چون «آکتونی» و «زار تاریان» نیز امضاء نموده‌اند اما هیچکس باین اعتراضات وقعی ننهاده است .

دکتر پاشایان همراه با سایر متفکرین ارمنی در فاجعه سال ۱۹۱۵ در جنوب آنکارا در دره «بنیامی» در سن پنجاه و یکسالگی بدست عثمانیها بقتل رسید .

گزارشی که از او میخوانید در سال ۱۹۰۲ نوشته شده و اگر نگارنده اینک بترجمه آن مبادرت میکند از این نظر است که هم اکنون نیز بوجود مطالب جالب و ضروری در این مقاله اعتقاد دارد .

جلفای اصفهان

دکتر هراند قو کاسیان

**ارامنه در ایران** - ارامنه در سراسر آذربایجان ایران و همچنین در شهر - های اصفهان تهران بطور پراکنده و در بعضی نقاط بصورت دسته جمعی بسر میبرند .

عدهئی از آنها در سال ۱۶۰۵ باصرار شاه عباس بایران کوچ کردند و در کنار زاینده رود اصفهان پایتخت صفوی قصبه ای بنام « جلفای نو» بنا نهادند و در آنجا سکنی گزیدند و بعداً بتدریج بدیگر نقاط ایران رهسپار شدند . جمعی نیز از آنها به هندوستان و جاوه وغیره مهاجرت کردند .

جمعیت ارامنه در اوایل قرن نوزدهم بالغ بر پانصد هزار نفر بوده است در سال ۱۸۲۷ ضمن جنگ ایران و روس قریب پنجاه هزار تن از آنها بنقاط مختلف روسیه راه یافتند .

در حال حاضر ( ۱۹۰۲ ) مجموع جمعیت ارامنه ایران بالغ بر هشتاد هزار

تن می باشد (۱)

باید دانست که تعداد ارامنه در ایران بیش از رقمی است که ذکر شد زیرا متأسفانه تاکنون آمار رسمی که از روی مدارك مستدل و متقن تهیه شده باشد در این خصوص منتشر نشده است و تنها آماری که در دست هست مدار کیست که از طرف دو خلیفه گری منطقه آذربایجان و اصفهان بدست آمده است که از روی آن نیز نمی توان بنفوس واقعی ارامنه در ایران پی برد. زیرا قسمت عمده آنرا از روی تعداد تقریبی اعضای خانواده ها شمار کرده اند و بهیچوجه اصول صحیح آمار گیری در آن رعایت نشده است و بویژه آماری که از ارامنه منطقه اصفهان تهیه شده بر همین مبنای غلط بوده است .

در اینجا باید یادآوری کرد که باین آمار ده هزار نفر کسانی را که در سال ۱۸۹۵ از جلوی عثمانیها فرار و بایران مهاجرت کردند نیز باید اضافه کرد . این عده پس از ورود بایران در شهرهای تبریز و سلماس سکونت یافتند . باین آمار ارامنه کاتولیک و پروتستان را نیز که تعداد آنها به ۵ الی ۶ هزار نفر می رسد باید افزود . شهرها و دهات و قصبات ارامنه و بطور کلی مناطق ارمنی نشین و افراد روحانی و همچنین منازلشان کاملاً مشخص و چشم گیر است .

ارامنه در ایران در سیزده شهری و ۲۲۱ دهکده بسر میبرند و جمعیت آنها بالغ بر ۸۱۵۱۰ نفر است که مر کب از ۱۲۵۴۹ خانوار میباشند آنها دارای ۵۳ مدرسه (که بعضی از آنها مختلط است) و ۱۸۷ کلیسا و ۱۶۳ کشیش و ۷ کلیسای بزرگ (وانك) و دو پیشوای مذهبی هستند که یکی از آنها پیشوای مذهبی ارامنه منطقه تبریز «خلیفه

۱ - در آمار گیری اخیر جمعیت ارامنه ایران دوست هزار نفر قید گردیده

است ( مترجم )

یقیشه مرادیان « است و دیگری پیشوای مذهبی آرامنه تهران - اصفهان « خلیفه ساهاک ایوادیان « میباشد . که در عین حال سمت پیشوائی آرامنه ایران و هندوستانرا نیز دارد .

در شهرهای بزرگ مثلا در تبریز . تهران . اصفهان مدارس پسرانه دارای چهار تا شش و مدارس دخترانه دارای ۲ تا ۳ کلاس میباشد .

همچنین در این نقاط کودکان کستانهای مجهز و آموزشگاههای تعلیم خیاطی و کلدوزی و غیره نیز دارند اما در شهرهای کوچک و قصبات تعداد کلاسها از دو یا سه تجاوز نمیکند که طبق برنامه های خاصی به پیروی از میزان احتیاجات روز و شرایط محل و همچنین امکانات موجود اداره میشود مدارس مختلط محله «لیالا» در تبریز از این نظر بین تمام مدارس نمونه میباشد .

در این مدارس تدریس بشیوه خاصی انجام میگردد باین معنی که بشاگردان نمره نمیدهند و از آنان امتحان بعمل نمیآورند . دروس آنها هم نظری و هم عملی است . بر حسب سن دانش آموزان ساعات درس آنها بین ۵۲ تا ۴۵ دقیقه تغییر میکند و روزانه ۲ - ۵ ساعت سر کلاس میروند . درزنگهای راحت بوزشهای دسته جمعی در حیاط وسیع مدارس میپردازند . دستجات ورزشی بنامهای «پایلاک» و «زولاک» نامیده میشوند .

دانش آموزان آرامنه نیز مانند همه جای دیگری در مدارس خود دارای نشریه دیواری هستند که در آن مطالب گوناگون در زمینه های مختلف درج میشود و علاوه بر این بمنظور پیشرفت و بالا بردن سطح فکر و معلومات دانش آموزان پسران و دختران در مدارس خود اطاقهایی برای ایراد نطق و سخنرانی و خواندن اشعار و غیره دارند که بطور دسته جمعی دورهم گرد میآیند دانش آموزان اغلب براهنمایی معلمین خود براه

پیمائی و گردشهای صحرائی و کوهستانی میروند و در آنجا نیز به تمرینهای فکری و ورزشهای گوناگون و بازیهای تفریحی میپردازند .

تنبیه بدنی در مدارس ارامنه معمول نیست . در ساختمان بعضی از این مدارس اصول مهندسی بهداشت کاملاً رعایت شده است .

مدارس ارامنه در ایران از سال ۱۸۷۰ بر مبنای نسبت صحیح و اصول امروزی استوار گردیده است :

ارامنه در ایران اکثراً بشغل تجارت با کشورهای اروپا و همچنین روسیه اشتغال دارند و بهمین لحاظ ناچارند بزبانهای کشورهای مزبور آشنائی داشته باشند و لاجرم در مدارس آنها علاوه بر ارمنی و فارسی زبانهای دیگری از قبیل فرانسه . روسی . و انگلیسی نیز تدریس میگردد .

ارامنه برای تحصیل فرزندان خود بمدارس موجود اکتفا نکرده و آنها را برای کسب علم و دانش بیشتر دسته بدسته باروبا . روسیه و هندوستان اعزام میدارند .

### ناتمام

باید دانست که در مدارس قدیم سطح معلومات بالا بوده تا آنجا که کلاسهای دوم و سوم آن از نظر میزان اطلاعات معادل دوره اول متوسطه امروز بوده است . م .

توحید یگانه گردانیدن دل است . یعنی تخلیص و تجرید او از  
تعلق بماسوای حق سبحانه .

(جامی)